

Handwritten text in the top left corner, possibly a signature or date.



Handwritten text at the bottom center, possibly a date or page number.

۲۹ / ۱۱ / ۱۳۸۰

کتابخانه  
دانشگاه تهران



دانشگاه تهران  
دانشکده حقوق و علوم سیاسی

## اقتدارگرایی سیاسی و ماندگاری نظام ایلی در ایران

(با تأکید بر ایل بختیاری و قشقایی)

015837

نگارش: حسن شفیعی

استاد راهنما: دکتر احمد نقیب زاده

اساتید مشاور: شادروان دکتر جواد شیخ الاسلامی - دکتر حمید احمدی

رساله برای دریافت درجه دکتری

در رشته علوم سیاسی

شهریور ۱۳۸۰

۳۹۰۰۸

نورم ارزیابی رساله دکتری



دانشکده: حقوق و علوم سیاسی گروه: علوم سیاسی

در چارچوب ارزیابی مرحله تحقیقاتی مقنع دکتری دانشجویان دانشگاه تهران  
 آقای: **حسن شفیعی** به شماره دانشجویی: **۲۱-۱۷۴-۹۵** در رشته: **علوم سیاسی**  
 گرایش: **علوم سیاسی** پایان نامه خود به ارزش: **۲۰** واحد راکه در نیمسال اول سال تحصیلی: **۷۶-۷۷-۲**  
 اخذ و ثبت نام نموده بود، تحت عنوان: **"اقتدارگرایی سیاسی و ماندگاری نظام ایلی در ایران"**

به سرپرستی (استاد راهنما): **دکتر نقیب زاده** استاد مشاور: **دکتر احمدی** استاد مشاور دوم (حسب مورد): **دکتر شیخ الاسلامی**  
 در تاریخ: **۸۰/۶/۳۱** در حضور هیأت داوران به شرح ذیل با (مرفئیت / عدم مرفئیت / اصلاحاتی) دفاع نمود.

اسامی هیأت داوران	مرتبہ علمی	محل اشتغال	امضاء
۱- استاد راهنما: <b>دکتر احمد نقیب زاده</b>	استاد	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۲- استاد مشاور: <b>دکتر حمید احمدی</b> <b>دکتر محمدجواد شیخ الاسلامی</b>	دانشیار استاد	" " "	
۳- استاد داور: <b>دکتر سیدحسین سیف زاده</b>	استاد	" " "	
۴- استاد داور: <b>دکتر حمیدرضا ملک محمدی</b>	استادیار	" " "	
۵- استاد داور یا <b>دکتر پریچهر شاهسوند</b> استاد مشاور دوم <b>دکتر کیانوش کیانی</b>		دانشگاه آزاد واحد کرج " " " "	

ارزیابی رساله  
**سیار خوب**

ملاحظات:

تذکر: نیازی به درج نمره جداگانه هریک از داوران نبوده و فقط نمره مورد توافق هیأت داوران (متوسط) اعلام می شود.  
 سرپرست تحصیلات تکمیلی دانشکده  
 با سلام، نظر به اعلام نمره نهایی فوق الذکر از جانب هیأت داوران خواهشمند است نسبت به انجام امور فراغت از تحصیل دانشجوی یاد شده برابر ضوابط و مقررات اقدام مقتضی بذول فرمائید.

نام و نام خانوادگی مدیر گروه: **دکتر حمید احمدی** امضاء و تاریخ:   
 ۸۰/۷/۷

توجه مهم: کلیه نوشته ها به استثناء نمره هیأت داوران و مطالب بند ملاحظات قبل از دفاع باید با ماشین تایپ گردد.  
 تذکر: این فرم به دفتر تحصیلات تکمیلی دانشکده ارسال و تصویر آن در گروه مربوط نگهداری می شود.

تقدیم به همسر گرامیم به پاس

قدردانی از زحمات بی دریغش



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بک قطره آبادی برای دانشکده، یک دریا آبادی برای کشور می‌آورد.

«شناسنامه رساله‌های دکتری»

(به منظور معرفی در رسانه‌های مکانی)

نشکود: حقوق و علوم سیاسی      کرود: علوم سیاسی      تاریخ دفاع: ۸۰/۶/۳۱

نویسنده: اقتدارگرایی سیاسی و ماندگاری نظام ایلی در ایران (با تأکید بر ایلی بختیاری و قشقایی)

نشجوی: حسن شفیعی      تلفن: ۴۵۵۳۴۶      نشانی:

ستاد راهنما: احمد تقیب زاده      تلفن مستقیم: ۲۰۶۳۳۷۱      ساعات تماس:

سای:

کیدد (به گونه‌ای ساده و روان که مورد توجه ممکن قرارگیرد).

«ایلات و عشایر» همواره در تاریخ سیاسی ایران نقش آفرین بوده‌اند. بنابراین تاریخ سیاسی ایران را نمی‌توان بدون مطالعه جامعه ایلی بررسی کرد. در این پژوهش به تبیین تأثیر متغیر اقتدارگرایی سیاسی بر ماندگاری نظام ایلی در ایران با تأکید بر دو ایلی بزرگ: ایلی بختیاری و ایلی قشقایی پرداخته می‌شود.

ظهور دولت مدرن در ایران، نقطه عطفی در تعامل جامعه ایلی و نظام سیاسی به شمار می‌رود. قبل از این، ایلات و دولت سنتی خدمات متقابل به یکدیگر ارائه می‌دادند. مناصب ایلخانی توسط دولت مرکزی به رسمیت شناخته می‌شدند، خوانین نیز خدمات مالی (جمع‌آوری مالیات) و نظامی (تأمین قشون) به دولت مرکزی ارائه می‌دادند.

با ظهور دولت مدرن از اتکاء دولت مرکزی به جامعه ایلی کاسته شد. بوروکراسی، ارتش و منابع مالی جدید موجب استقلال نسبی دولت از جامعه ایلی شدند. نظام ایلی، به عنوان کانون قدرت رقیب دولت مرکزی مورد تعدی واقع شد. چنین رویارویی، «خصوصیت» را جایگزین «وفاق» قبلی نمود. پویای درونی جامعه ایلی و برخورد خشونت‌بار دولت مدرن مانع ادغام نظام ایلی درون نظام ملی گردیدند. به نظر می‌رسد، کامیابی در ادغام جامعه ایلی درون جامعه ملی منوط به اقدامات عمیق اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است و اقدامات نظامی معطوف به حذف جامعه ایلی آثار عمیقی در ادغام نخواهند داشت.

اقدامات نظامی و آمرانه موجب واکنش جامعه ایلی می‌شوند و به مقاومت می‌انجامند. با توجه به پویای درونی جامعه ایلی در حوزه‌های فرهنگی (نظام معنادر)، اقتصادی (وجه معیشتی، مبادله و انطباق اکولوژیکی)، اجتماعی (نظام مبتنی بر همبستگی مکانیکی، خویشاوندی و قبیله‌ای) و سیاسی (قدرت سیاسی متمرکز و سلسله مراتبی) چنانچه پوشش ایلی به پویای مدنی مبدل نشود می‌تواند همواره مانعی بر سر راه ادغام ملی باشد. بدیهی است در صورت دمکراتیک شدن نظام سیاسی، نظام ایلی نیز در اتصال و ارتباط ارگانیک با آن واقع شده و حوزه‌های چهارگانه پویای درونی آن در پهنه ملی واقع خواهد شد.

امضاء: استاد راهنما:

لطفاً یک نسخه جداگانه‌ای را هم برای ارائه در شبکه اینترنت ارسال فرمایید.

«روابط عمومی دانشگاه تهران - واحد مطالعات و انتشارات»

تلفن: ۶۴۰۵۰۴۷-۶۱۱۲۹۳۳

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

.....	چکیده
.....	مقدمه
.....	فصل اول: ملاحظات نظری در مورد نظام ایلی و تعامل آن با نظام سیاسی
.....	۱- تحلیل نظری مفهوم «ایل»
.....	۲- نظام خویشاوندی و جامعه ایلی
.....	۳- نظام اکولوژیکی و جامعه ایلی
.....	نتیجه گیری
.....	منابع فصل اول
.....	فصل دوم: تشریح ساختار و پویای درونی ایلات در ایران
.....	مبحث اول: ویژگیهای ساختاری و پویای درونی ایل بختیاری
.....	مبحث دوم: ویژگیهای ساختاری و پویای درونی ایل قشقایی
.....	منابع فصل دوم
.....	فصل سوم: جایگاه ایلات در درون ساختار سیاسی سنتی
.....	مبحث اول: تشریح تعامل ایل بختیاری و ساختار سیاسی سنتی
.....	مبحث دوم: تشریح تعامل ایل قشقایی و ساختار سیاسی سنتی
.....	منابع فصل سوم

۱۲۷	فصل چهارم: ظهور دولت مدرن در ایران
۱۲۹	۱- بنیادهای ساختاری تکوین دولت مدرن در ایران
۱۳۲	۲- تعارض ساختاری دولت مدرن و نظام ایلی در ایران
۱۴۳	منابع فصل چهارم
۱۴۷	فصل پنجم: معمای استمرار نظام ایلی در ایران
۱۵۰	مبحث اول: ایل بختیاری
۱۵۳	مبحث دوم: ایل قشقایی
۱۵۹	منابع فصل پنجم
۱۶۱	فصل ششم: تبیین ماندگاری نظام ایلی در ایران
۱۶۴	مبحث اول: نظام سیاسی مدرن و سرکوب نظامی جامعه ایلی
	مبحث دوم: تکوین نظام سیاسی بوروکراتیک اقتدارگرا و تخریب پایه‌های اقتصادی -
۱۸۱	اجتماعی نظام ایلی
۲۱۵	مبحث سوم: انقلاب اسلامی و بهبود نسبی وضعیت اقتصادی - اجتماعی نظام ایلی
۲۳۱	نتیجه‌گیری
۲۳۴	۱- تکثرگرایی سیاسی لازمه مشارکت سیاسی فعالانه
۲۳۵	۲- توسعه اقتصادی لازمه توسعه سیاسی
۲۳۶	۳- توجه به ساختارها و پویاهای درونی سنتی در فرایند توسعه
۲۳۸	منابع فصل ششم
۲۵۲	منابع و مآخذ

## فهرست جداول و نمودارها

صفحه	عنوان
۲۵	مدل تغییر نظام ایلی در فرایند تعامل دو سویه با نظام سیاسی
۲۷	مدل نظامهای سیاسی اقتدارگرا و تداوم نظام ایلی
۲۶	جدول تحولات جمعیت ایلات و عشایر در ایران
۶۸	نمودار سازمان اجتماعی ایل بختیاری
۶۹	نمودار نظام دودمانی خوانین چهار لنگ
۷۱	نمودار شجره ایلخانان و ایل بیگهای قشقایی
۸۰	نمودار سازمان اجتماعی ایل قشقایی
	نمودار «ایلخان»ها و «ایل بیگ»های ایل بختیاری از سال ۱۲۴۶ تا ۱۳۱۵ شمسی
۱۰۳	(۱۸۶۷-۱۹۳۶م)
۱۵۵	جدول ساختار شغلی برای استانهای مختلف (به نسبت جمعیت)



## مقدمه

### طرح مسئله پژوهش

توضیح و تبیین رابطه ساخت مرکز سیاسی و پیرامون ایلی در ایران و ادغام یا عدم ادغام پیرامون ایلی در مرکز سیاسی یکی از موضوعات جالب در جامعه شناسی سیاسی ایران است. براین اساس مقایسه رابطه ساخت مرکز سیاسی و پیرامون ایلی در ایران، قبل از شکل‌گیری دولت مدرن و بعد از آن در آشکار نمودن وجوه تفاوت و تأثیرگذاری ساخت مرکز سیاسی مدرن بر پیرامون ایلی بسیار مؤثر می‌باشد.

از لحاظ نظری مطالعات مربوط به پیرامون ایلی و ماندگاری آنها در پایان قرن بیستم عمدتاً با عنایت به تحولات صورت گرفته در مغرب زمین و بدون توجه به ویژگیهای خاص تاریخی سایر نقاط دنیا از جمله آسیا، خاورمیانه و ایران، واژه‌هایی نظیر «ایل»، «قبیله»، «قومیت» و نظایر آن را منسوخ و کهنه تلقی می‌نمودند که در فرایند پیدایش مدرنیسم مستحیل و نابود می‌شوند. اشکال اصلی این نوشته‌ها نداشتن یک چارچوب تاریخی و داشتن ادعاهای جهان شمول بدون توجه به ویژگیهای تاریخی جوامع بوده است.

در پژوهش حاضر سعی کرده‌ایم با عنایت به «ویژگیهای خاص تاریخی ایران» و پرهیز از «تعمیم‌های جهان شمول» و «مطلق‌نگری»، مسئله پایداری حیات ایلی در ایران را با عنایت به دو ایل بزرگ «بختیاری» و «قشقایی» مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم.

تجزیه و تحلیل پایداری حیات ایلی در ایران با شکل‌گیری دولت مدرن و این تصور که با گسترش مدرنیته و تأسیسات و نهادهای آن در سراسر ایران نیز بساط نهادهای ماقبل مدرن برچیده می‌شود بسیار مهمتر و با اهمیت‌تر می‌شود. تا قبل از ظهور دولت مدرن، ایلات و طوایف در ایران از استقلال نسبی از دولت مرکزی برخوردار بودند. دولت مرکزی نیز به خود مختاری آن صحنه گذاشته بود ضمن اینکه خدمات نظامی و مالی نیز از آنها دریافت می‌کرد. با آغاز پیدایش دولت مدرن ساختار سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی ایلات و طوایف مورد تهاجم مرکز سیاسی واقع شد. دولت مرکزی مدرن با شدت عمل و اقدامات خشونت‌بار استقلال نسبی و کلیه نهادها و تأسیسات ایلات را درهم شکست و نهادهای بوروکراتیک جدید را جانشین آنها ساخت و با از بین بردن ایل راهها، ممنوعیت کوچ، ملی کردن مراتع، از بین بردن سیاه چادرها و سایر اقدامات دیگر

نظیر اسکان اجباری، وحدت لباس، کشف حجاب، خدمت نظام وظیفه اجباری نه تنها به محدودیت بلکه به تخریب و از بین بردن آنها همت گماشت. اما ایلات و طوایف تا زمانی که تفوق و برتری نظامی داشتند به مقاومت آشکار و شورش‌های گسترده علیه دولت مرکزی پرداختند و آنگاه که چیرگی نظامی خود را از دست دادند عقب نشستند و گردن به سیاست‌های دولت مرکزی نهادند. کوچ را رها کرده و اسکان یافتند. عده‌ای به کشاورزی و عده‌ای راهی شهرها شده و در حاشیه شهرها به زندگی حاشیه نشینی روی آوردند. با سقوط دولت مرکزی در اواخر شهریور ۱۳۲۰ و ضعف ناگهانی دولت، کوچ عشایر دوباره آغاز شد، خانه‌ها تخریب و همه عشایر زندگی ایلی را دوباره آغاز کردند. در فاصله سالهای ۳۲-۱۳۲۰ که ضعف مفرط عارض دولت مرکزی شده بود در هر گوشه‌ای از ایران به ویژه در مناطق آذربایجان و کردستان نغمه‌های تجزیه طلبی سرداده می‌شد. کیفیت این نغمه‌های تجزیه طلبی کاملاً متفاوت بود. این تفاوت در حقیقت ناشی از تفاوت در متغیرهای دخیل در شکل‌گیری آنها بود. شورش عشایری فارس در سال ۱۳۲۵ علیرغم ظواهر چیزی جز استفاده مؤثر مرکز سیاسی از نهادها و تأسیسات ایلی در رویارویی با حزب توده و فرقه دموکرات آذربایجان نبود. بنابراین بروز سه شورش در یک سال مشخص در ایران یعنی شورش عشایری فارس و ایجاد فرقه دمکرات فارس، فرقه دموکرات آذربایجان و فرقه دموکرات کردستان هر سه علیرغم تشابه ظاهری، تفاوت محتوایی زیادی از حیث متغیرهای دخیل داشتند. به عنوان مثال شورش عشایری فارس در سال ۱۳۰۸ علیه سیاست‌های دولت مرکزی بود در حالی که شورش عشایری فارس در سال ۱۳۲۵ در راستای سیاست‌های دولت مرکزی به شمار می‌رفت. بنابراین چهره متغیر جامعه ایلی در ایران را بایستی در همین تفاوت‌های متغیر دخیل و گونه گونی آنها جستجو و دسته‌بندی کرد سالهای بعد از کودتای ۲۸ مرداد ساختار سیاسی اقتدارگرای بوروکراتیک (۴۲-۱۳۳۲) و بعد از اصلاحات موفق شاه ساختار سیاسی کورپوراتیسم اقتدارگرا (۵۷-۱۳۴۲) به سیاست‌هایی منجر شد که راه نفوذ در مجرای سیاسی را برای تمامی گروه‌های ایلی بست انسداد سیاسی آشکار در طبقه حاکمه و سیاست‌های آن در قالب برنامه‌های توسعه به «توسعه نیافتگی منطقه‌ای» منجر شد. با عمومیت نیافتن توسعه و نوسازی در ایران ایلات و طوایف در همان حالت ماقبل مدرن خود نه تنها رها شدند بلکه با سیاست‌های اقتصادی و صنعتی حاکم بردولت مرکزی مورد حمایت نیز قرار نگرفتند. با ملی شدن مراتع و سیاست‌های صنعتی شدن و استراتژی‌های طولانی تشویق صادرات، شیوه تولید و معیشت ایلی در معرض نابودی کامل قرار گرفت. انقلاب سال ۱۳۵۷ علیه رژیم پهلوی دوم منجر به رها شدن انرژی‌ها و

محرومیت‌های طولانی در اکثریت مناطق قومی و ایلی ایران شد. طی سالهای ۶۰-۱۳۵۷ سراسر فارس ملتهب و پر از تنش شد. اقدامات خشونت‌بار ایلات قشقایی علیه سایر ایلات و دولت مرکزی حکایت از آن داشت که حیات جامعه ایلی هنوز به طور کامل از بین نرفته است. آمار شهدای ایلات قشقایی و بختیاری در جنگ ایران و عراق و قرار گرفتن برخی از افراد ایل به ویژه ایل بختیاری در مناصب مهم نظامی و سیاسی جمهوری اسلامی نشانگر این بود که ایلات جوامعی منزوی و دولت ناپذیر نیستند و می‌توانند در تقویت پایگاه اجتماعی دولت مؤثر باشند. پهلوی اول با خشونت با ایلات برخورد کرد که به مقاومت انجامید، پهلوی دوم آنها را نادیده گرفت که به توسعه نیافتگی جامعه ایلی انجامید اما جمهوری اسلامی توانست نظام ایلی را مورد توجه خود قرار دهد و در فاصله بسیار کوتاهی فاصله مرکز - پیرامون را تا حد زیادی کاهش دهد.

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که با توجه به ظهور دولت مدرن در ایران و انتظار امحاء ساختارهای ماقبل مدرن چرا تاکنون برخی از نظامات ایلی (کوچرو و اسکان یافته) به حیات خود ادامه می‌دهند؟

### پیشینه موضوع پژوهش یا ادبیات موجود (Litreatures)

درخصوص پاسخ به پرسش فوق چندین اثر آکادمیک وجود دارد که هرکدام پاسخ‌های متفاوتی ارائه داده‌اند. روی هم رفته ویژگی متمایز این آثار که فی‌الواقع نقص درون مایه و روش شناختی آنها را تشکیل می‌دهد عبارت است از یکسان پنداشتن تحولات مغرب زمین و تعمیم آن به روند نوسازی در ایران یا تعمیم دادن مقطعی خاص از تاریخ ایران به دوران ماقبل یا مابعد خود یا تأکید بر مقطعی خاص و نادیده گرفتن سایر دوران که ارتباط منطقی با دوره مورد بررسی این پژوهش دارند. در کنار این آثار، آثار دیگری وجود دارند که هرکدام ابعادی از فرضیات این پژوهش را مورد تأکید قرار می‌دهند. ریچارد تاپر در کتب و مقالات متعدد در مورد جامعه ایلی در ایران، از القاء مفاهیم کلیشه‌ای در مورد ایلات و طوایف در ایران پرهیز می‌کند. وی در مقاله «قومیت، جایگاه و معنای آن در مردم‌شناسی ایران و افغانستان» خاطرنشان می‌سازد که مبنای تأسیس جامعه ایلی در ایران جنبه‌ای فرهنگی دارد که در فرایند تعامل عناصری همچون گروه‌های رقیب، جوامع محلی، مرکز سیاسی و مؤلفه‌هایی دیگر مانند انطباق جغرافیایی، خویشاوندی، طایفه، شغل، زبان و مذهب شکل گرفته است.<sup>(۱)</sup>

بنابراین تا پیر سه مؤلفه ساخت مرکز سیاسی، انطباق ساختاری ایلی و مقتضیات محلی و رقابت نخبگان ایلی را در پایداری حیات ایلی در ایران استخراج می‌نماید.

لوئیس بک در آثار متعدد خود در مورد ایل قشقایی، مبنای ایجاد، پایداری، استمرار، استحاله و انعطاف جامعه ایلی را تاحدی دقیق‌تر از تا پیر عنوان می‌کند.<sup>(۲)</sup> به نظر لوئیس بک «...مدارک و شواهد نشان می‌دهد که ایلات ایران از گردهم آمدن جمعیت‌هایی با میراث فرهنگی، زبان و رسوم پراکنده و رابطه‌های خویشاوندی متفاوت به وجود آمده و این پراکندگی فرهنگی هنوز هم در میان ایلات عمده ایران به چشم می‌خورد. این فرایند در طول تاریخ ایران شکل گرفت، تداوم یافت و همچنان در اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی ادامه دارد. ایلات، موجودیت‌هایی اجتماعی - فرهنگی با تاریخ تحول خاص خود بودند و اعضای آن‌ها در طول تاریخ زمان دارای تصورات و برداشت‌هایی از هر ویژگی‌های فرهنگی خاص شدند. یک چنین برداشت‌هایی در رابطه با منحصر به فرد بودن آنها که کارکردهای سیاسی داشت و غالباً سطحی بود لزوماً باعث از بین رفتن پراکندگی فرهنگی نشد.<sup>(۳)</sup> به نظر وی در تاریخ ایران ایلات و عشایر همواره با دولتها در تعامل بوده و متناسب با سیاست‌های آن متحول شده‌اند. دولت‌های ایرانی با عنایت به توانمندی‌های خاص ایلات، با استراتژی‌های انتصاب یا ایجاد ایلات رقیب همواره ایلات سرکش را مورد کنترل و نظارت قرار می‌دادند. بنابراین دولت‌های ایرانی برای از بین بردن یک ایل ابتدا آن را ایجاد می‌کردند و سپس در شرایط مناسب آن را از بین می‌بردند. بحث اصلی بک این است که ساختارهای سنتی تیغ دولبه‌ای بوده‌اند که در راستای «مقاومت» ایلی یا سیاست‌های «رقابتی» دولت مرکزی واقع شده‌اند که هر دو جنبه حکایت از پایداری حیات ایلی دارند.<sup>(۴)</sup>

بنابراین لوئیس بک تأکید اصلی خود را بر ساختار سازمانی جامعه ایلی و شرایط سیاسی در تبیین جامعه ایلی قرار می‌دهد.

حمید احمدی در کتاب «قومیت و قوم‌گرایی در ایران، از افسانه تا واقعیت» ضمن پذیرش ضمنی منشأ واحد هویت تمامی ایلات ایران یعنی احساس تعلق به جامعه ایرانی، سه متغیر ساخت دولت مدرن اقتدارگرا، نخبگان سیاسی و نظام بین‌المللی را در سیاسی کردن قومیت مطرح می‌سازد که به ویژه از اواسط قرن ۲۰ به بعد تشدید شده است. به اعتقاد نویسنده با ارائه سیاست‌های جلب مشارکت فعالانه، تکثرگرایی و تنش و اعتدال در سیاست خارجی تا حدود زیادی می‌توان سیاسی کردن قومیت را کاهش داد.<sup>(۵)</sup>

ژان پیردیگار نیز در آثار متعدد خود راجع به ایل بختیاری<sup>(۶)</sup>، ساختار قدرت سیاسی ایلات و به ویژه ایل بختیاری و میزان نفوذ ایلی در ساخت مرکز سیاسی را مورد مطالعه قرار می‌دهد. به نظر دیگار، ایل بختیاری همانند سایر ایلات ایران مبتنی بر ساختاری دودمانی است که وجه ممیزه آن را تشتت و پراکندگی درون ایلی و جنگهای خونین و برادر کشی‌ها از یک سو و همبستگی آنها در برابر نیروهای خارجی و از جمله دولت از سوی دیگر تشکیل می‌دهد. به اعتقاد وی، ایل بختیاری با «کینه توزی، ستیز پنهان» وجه ممیزه هویتی خود را آشکار می‌سازد. این هویت در چارچوب یک ساختار غیرمنعطف شکل می‌گیرد. بدین ترتیب، ژان پی دیگار دو متغیر «نفوذ ایلی در ساخت مرکز سیاسی» و «ساختار غیرمنعطف ایلی» را به عنوان مجموعه علل پایداری حیات ایلی نشان می‌دهد و توجه چندانی به ساخت مرکز سیاسی ندارد.

به نظر اعتقاد دیگار، ساختار غیرمنعطف ایل بختیاری در رویارویی با سایر ساختارهای ایلی یا فرهنگی به مقاومت و گزینش مبادرت می‌ورزد به طوری که «...تماس‌های مستقیم میان فرهنگ غربی و بختیارها کمترین تأثیر را بر آنها نهاده و به پذیرش چندویژگی عاریتی از «فرهنگ مادی» آنها محدود شده است.»<sup>(۷)</sup>

فردریک بارث در مطالعه ایل باصری، مبنای تشکیل ایل و تداوم حیات ایلی را خارج از مبانی خویشاوندی، زبانی، نژادی و خونی بررسی می‌کند. به نظر وی «حمایت‌گرایی» و نیاز به حمایت در مقابل شرایط خشن اقلیمی و اکولوژیکی، سایر ایلات و نیاز به امنیت و تأمین معاش منجر به ایجاد ساختاری می‌گردد که براساس آن وجوه مشترک یک مجموعه ناهمگون شکل می‌گیرد. این وجوه مشترک براساس یک ساختار منضبط و سلسله مراتبی به وجود می‌آید که در رأس آن رئیس قبیله قرار دارد و «...افراد ایل به وضوح تشخیص می‌دهند که بسیاری موارد بدون رئیس شان بدون یار و یاور خواهند بود... رئیس ایل دارای یک قدرت مطلقه است، قدرت مطلقه‌ای که استمرار و پایداری قدرت و تشکیلات آن به تنهایی نمی‌تواند توجیه کننده کارآمدی آن باشد.»<sup>(۸)</sup>

روی هم رفته، بارث شکل‌گیری و تداوم حیات ایلی در ایران را با توجه به مطالعه طایفه باصری از ایل خمسه مبتنی بر ملاحظات اقتصادی - سیاسی و بعضاً براساس انطباق اکولوژیکی مورد توجه قرار می‌دهد و سایر عوامل مؤثر از جمله ماهیت ساخت مرکز سیاسی را کاملاً نادیده می‌گیرد. نکته جالب توجه در تحلیل بارث، تبیین منطقی کنش درونی جامعه ایلی و رؤسای ایل در نظام سلسله مراتبی و منضبط است که به نوعی نظام پاتریمونالیستی مبتنی بر دودمان را به ذهن متبادر می‌سازد. نظامی که خصلت اصلی آن سلسله مراتب

اجتماعی فاقد تحرک عمودی است. این خصلت ویژگی یک جامعه منزلتی را نشان می‌دهد که یکی از عناصر اصلی جامعه ایلی به شمار می‌رود و افراد براساس جایگاه اجتماعی ایلی مورد توجه قرار می‌گیرند. به‌طور کلی آثار و ادبیات موجود در زمینه پایداری حیات ایلی در ایران صرفاً یکی از علل و متغیرهای مستقل را مورد ملاحظه قرار داده‌اند که با ترکیب مناسب این متغیرها می‌توان یک الگوی تحلیلی - ترکیبی مناسب از علل پایداری حیات ایلی در ایران ارائه داد و نقائص روش شناختی «ابطال تبیین مبتنی بر علت واحد» را مرتفع نمود.

### هدف پژوهش

هدف پژوهش حاضر، تبیین ماندگاری نظام ایلی در ایران با مطالعه موردی دو ایل بزرگ بختیاری و قشقایی در مقطع زمانی بعد از پیدایش دولت مدرن تاکنون (۱۳۸۰-۱۳۰۰) است. در این بررسی با در نظر گرفتن متغیرهای مستقل و پرهیز از تعمیم‌های ناروای یک مقطع خاص به سایر مقاطع یا تجویز الگوی یکسانی به دوران مورد بررسی، سعی داریم از معضلات احتمالی روش شناختی جلوگیری نماییم و با عنایت به رویکرد جامعه‌شناسی تاریخی و آزمون «نظریه» در «موارد تجربی» از «تبیین غیرتاریخی» و «توصیف فاقد تبیین» رهایی یابیم. لازم به ذکر است که به منظور مقایسه تعامل ساخت مرکز سیاسی و پیرامون ایلی در ایران، این تعامل را دو مقطع زمانی یعنی قبل از شکل‌گیری دولت مدرن یا ساخت مرکز سیاسی سنتی و بعد از شکل‌گیری دولت مدرن مورد توجه قرار خواهیم داد تا وجوه تمایز و تفاوت و همچنین وجوه تشابه این تعامل آشکار گردد.

### علت انتخاب موضوع

امروزه علیرغم کاهش جمعیت ایلی در ایران، دو ایل بختیاری و قشقایی بزرگترین ایلات ایران هستند. در واقع این دو ایل تنها «بزرگ ایل» یا ائتلافی از چند ایل هستند. در ایل قشقایی با جمعیت ۱۱۲۴۳۰ نفر یا معادل ۹/۸ درصد کل جمعیت عشایری کوچنده، حیات کوچندگی دارند. در ایل بختیاری نیز ۱۸۱۷۷۷ نفر یا معادل ۱۵/۸ درصد کل جمعیت عشایری کوچنده، حیات کوچندگی دارند. بنابراین با توجه به شاخص جمعیت کوچنده در این دو ایل، در این پژوهش ایلات مذکور را به عنوان دو بزرگ ایل ایران

برگزیده‌ایم که علیرغم سالهای زیادی از ظهور دولت مدرن و انتظار ادغام ایلات، هنوز به حیات خود ادامه می‌دهند.

## متدولوژی پژوهش

در این پژوهش با عنایت به مبانی معرفت‌شناسی دموکراسی و الگوی توسعه سیاسی «مرکز - پیرامون»، تحلیل‌گفتمانی مبتنی بر رویکرد «جامعه‌شناسی تاریخی» را به عنوان روش‌شناسی این پژوهش برگزیده‌ایم. این رویکرد درچارچوب تحلیل‌گفتمان مسلط در سه دوره از تاریخ سیاسی ایران یعنی گفتمان پاتریمونالیستی حاکم بر دولت سنتی، گفتمان مدرنیستی حاکم بر دوران پهلوی و استیلاء گفتمان جامعه مدنی در اواخر دهه دوم انقلاب اسلامی قرار می‌گیرد.

## روش تحقیق و شیوه جمع‌آوری اطلاعات

در این پژوهش به سه روش اسنادی - کتابخانه‌ای و میدانی به جمع‌آوری اطلاعات مربوط به شاخص‌های هر یک از متغیرها پرداخته شده است. در روش اسنادی، اسناد مربوط به شاخص‌ها با ترتیب موضوعی - تاریخی جمع‌آوری، طبقه‌بندی، مقایسه و تجزیه و تحلیل شده‌اند. در روش کتابخانه‌ای عمدتاً مباحث نظری و تاریخی موضوع پژوهش جمع‌آوری شده‌اند. در روش میدانی، نگارنده پژوهش طی چندین نوبت به صورت مشاهده‌ای و عینی موضوع مورد پژوهش را مورد بررسی قرار داده است حاصل جمع این سه روش، شیوه مناسب جمع‌آوری اطلاعات این پژوهش می‌باشد.

## متغیرهای مستقل پژوهش (Independent Variables)

آثار موجود در جامعه‌شناسی سیاسی ایران، متغیرهای متعددی را در تبیین «پایداری حیات ایلی» در ایران ارائه داده‌اند که از جمله متغیرهای مستقل در این الگوها می‌توان به «قبیله‌گرایی خویشاوندی» و «ساختار سیاسی اقتدارگرا»، «پاتریمونالیسم»، «استبداد شرقی»، «ماندگاری ساختارهای سنتی» و «توسعه ناتمام» اشاره کرد. از مجموعه متغیرهای فوق دو متغیر مهم‌تر به نظر می‌رسند، این دو متغیر عبارت‌اند از:

۱. ساختار سیاسی اقتدارگرا<sup>۲</sup>. پویایی درونی ساختار ایلی.